



درسنامه قواعد فقه جزایی

www.ketab.lrl

احمد حاجی ده‌آبادی

استاد دانشگاه تهران (دانشکده‌گان فارابی)



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

پاییز ۱۴۰۰

حاجی ده‌آبادی، احمد، ۱۳۴۹.

درسنامه قواعد فقه جزایی / احمد حاجی ده‌آبادی. — قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۰.

۲۴۰ ص. — (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۵۸۱: حقوق و فقه اجتماعی؛ ۶۲)

ISBN: 978-600-298-367-1

بها: ۴۳۰۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه.

۱. اصول فقه. ۲. Islamic law -- Interpretation and construction. ۳. حقوق جزا (فقه). ۴. (Islamic law)

Criminal law. ۵. فقه -- قواعد. ۶. Islamic law -- Formulae. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.

۲۹۷/۳۱

BP۱۵۵

۸۴۷۳۶۸۱

شماره کتابشناسی ملی



درسنامه قواعد فقه جزایی

مؤلف: احمد حاجی ده‌آبادی

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

ویراستار: سعیده حسینیان

صفحه‌آرایی: تحریر اندیشه

چاپ اول: پاییز ۱۴۰۰

تعداد: ۳۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سیحان

قیمت: ۴۳۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات

۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

http://rihu.ac.ir/fa/book فروشگاه اینترنتی:

مرکز یخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اسلامی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی «ره»، بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۵۸۰ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

این کتاب به عنوان منبع اصلی درس قواعد فقه جزایی برای دانشجویان رشته های «حقوق» و «فقه و مبانی حقوق اسلامی» در مقطع کارشناسی فراهم آمده است؛ البته دیگر علاقه مندان به این زمینه تحقیقی نیز می توانند از آن بهره مند شوند.

از استادان و صاحب نظران ارجمند تقاضا می شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می داند از تلاش های مؤلف محترم اثر، دکتر احمد حاجی ده آبادی و نیز از ارزیابان محترم دکتر محسن برهانی و حجت الاسلام دکتر غلامرضا پیوندی سپاسگزاری کند.

www.ketab.ir

فهرست اجمالی

۱.....	پیشگفتار.....
۳.....	مقدمه.....

فصل اول: قواعد حدود و تعزیرات

۹.....	۱. ۱. درآمد.....
۱۳.....	۱. ۲. قاعده دزأ.....
۴۱.....	۱. ۳. قاعده تکرار جرم حدی.....
۵۰.....	۱. ۴. قاعده تعدد جرم حدی (قاعده تداخل مجازات در تعدد جرم حدی).....
۵۶.....	۱. ۵. قاعده سقوط حد با توبه قبل از اثبات.....
۶۳.....	۱. ۶. قاعده عدم سقوط حد با توبه پس از شهادت شهود.....
۶۵.....	۱. ۷. قاعده اختیار امام در عفو اقرارکننده به حد.....
۷۲.....	۱. ۸. قاعده پذیرفته نشدن انکار پس از اقرار به حد، جز در حد رجم.....
۷۷.....	۱. ۹. قاعده عدم سقوط حد با عارض شدن جنون.....
۸۳.....	۱. ۱۰. قاعده ناروا بودن تأخیر در اجرای حد.....
۸۷.....	۱. ۱۱. قاعده ناروا بودن اجرای حد در سرزمین دشمن.....
۹۲.....	۱. ۱۲. قاعده ناروا بودن اجرای حد به دست کسی که حدی بر عهده اوست.....
۹۵.....	۱. ۱۳. قاعده بطلان (پذیرفته نشدن) کفالت در حدود.....
۱۰۲.....	۱. ۱۴. قاعده پذیرفته نشدن شفاعت در حدود.....
۱۰۴.....	۱. ۱۵. قاعده تعزیر داشتن ارتکاب هر عمل حرام.....
۱۱۳.....	۱. ۱۶. قاعده لزوم کمتر بودن مقدار تعزیر از حد.....

فصل دوم: قواعد قصاص

۱۲۳.....	۲. ۱. درآمد.....
۱۲۳.....	۲. ۲. قاعده تداخل و عدم تداخل (تعدد) جنایات.....

۳. ۲. قاعده لزوم پرداخت دیه توسط قصاص کننده پیش از قصاص ۱۴۱
۴. ۲. قاعده خطایی بودن جنایات های عمدی صبی و دیوانه ۱۴۸
۵. ۲. قاعده برابری زن و مرد در قصاص مادون نفس تا ثلث ۱۵۱
۶. ۲. قاعده مجازات نشدن جانی به بیش از جانش ۱۵۶
۷. ۲. قاعده عدم سقوط قصاص با عروض جنون پس از ارتکاب جنایت ۱۶۲
۸. ۲. قاعده نبودن قصاص برای کسی که قصاص نمی شود ۱۶۶

فصل سوم: قواعد دیات

۱. ۳. درآمد ۱۷۱
۲. ۳. قاعده دیه اعضای یکی و دوتایی ۱۷۲
۳. ۳. قاعده دیه فلج کردن اعضا ۱۸۰
۴. ۳. قاعده دیه از بین بردن عضو فلج ۱۸۶
۵. ۳. قاعده ارش ۱۸۹
۶. ۳. قاعده برابری زن و مرد در دیه مادون نفس ۱۹۹
۷. ۳. قاعده ثبوت دیه در صورت نبود امکان قصاص ۲۰۴
۸. ۳. قاعده پرداخت دیه از بیت المال ۲۰۸

- منابع عربی ۲۱۹
- منابع فارسی ۲۲۳

مقدمه

برای دانستن مفهوم «قاعده فقهی»، بیان مفهوم دو واژه «قاعده» و «فقه» لازم است. قاعده در لغت به معنای پایه و اساس است.^۱ قواعد خانه پایه‌های آن‌اند^۲ و قاعده مثلث به ضلعی گفته می‌شود که مثلث بر آن استوار است. قاعده در اصطلاح، که مترادف اصل و ضابطه و قانون است، به حکم کلی‌ای گفته می‌شود که بر جزئیاتی انطباق می‌یابد.^۳ بخشی از هر دانش را قواعد آن تشکیل می‌دهد؛ مثلاً «کل فاعل مرفوع» و «کل مفعول منصوب» از جمله قواعد علم نحو است و در هندسه، گزاره «مجموع زوایای مثلث ۱۸۰ درجه است» یا «دو خط موازی هیچ‌گاه یکدیگر را قطع نمی‌کنند» از قواعد به‌شمار می‌رود. واژه فقه در لغت به معنای فهمیدن و دانستن است. در آیت از قرآن، فقه در همین معنا به کار رفته است:

وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي؛^۴ و گره از زبان من بگشای تا گفتار مرا بفهمند.

وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ؛^۵ و هیچ موجودی نیست جز آنکه او را به پاکی می‌ستاید؛ ولی شما تسبیحشان را نمی‌فهمید.

با ظهور و گسترش اسلام، واژه فقه اندک‌اندک به معنای فهم و شناخت دین و بصیرت در آن، اعم از اصول و فروع به کار رفت.^۶ برای مثال، در حدیثی از امام صادق (ع) فقه به همین معنا به

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۲۳۹.

۲. همان؛ فراهیدی، العین، ج ۱، ص ۱۴۳؛ جوهری، الصحاح، ج ۲، ص ۵۲۵.

۳. المنجد، ص ۶۴۳.

۴. طه، ۲۷ و ۲۸.

۵. اسراء، ۴۴. نک: انعام، ۶۵ و ۹۸؛ اعراف، ۱۷۹.

۶. نک: جوهری، الصحاح، ج ۶، ص ۲۲۴۳.

کار رفته است: «لَوِدِدْتُ أَنْ أَصْحَابِي ضَرَبَتْ رُؤُوسَهُمْ بِالسَّيَاطِ حَتَّى يَتَفَقَّهُوا»^۱ دوست دارم تازیانه بر سر اصحابم بزنم تا تفقه پیدا کنند.»^۲

فقه در اصطلاح، دو معنا دارد: ۱. علم به احکام شرعی که از راه ادله تفصیلی به دست می‌آید؛ بر این اساس به کسی که احکام شرعی را از راه ادله تفصیلی به دست آورد فقیه می‌گویند؛ ۲. خود احکام شرعی؛ مثلاً وقتی گفته می‌شود قوانین باید مطابق فقه باشد یا فلان شخص عالم به فقه است و دیگری از فقه اطلاعی ندارد، خود احکام شرعی مراد است، نه علم به احکام شرعی.

با اضافه کردن معنای اصطلاحی «قاعده» به دومین معنای اصطلاحی «فقه»، معنای «قاعده فقهی» روشن می‌شود. قاعده فقهی حکم کلی شرعی است که مصادیقی دارد و بر آنها منطبق می‌شود. قاعده فقهی دو ویژگی دارد: ۱. حکمی کلی است و به نمونه خاصی اختصاص ندارد؛ ۲. شرعی، یعنی مستند به منابع احکام، است. پس آنچه شارع مقدس وضع نکرده، همچنین آنچه شارع وضع کرده ولی جزئی است، قاعده فقهی نامیده نمی‌شود. برای نمونه، اصل لزوم معاملات قاعده‌ای فقهی است که بر اساس آن، هر معامله‌ای لازم و فسخ‌نشدنی است، مگر اینکه طرفین برای خود حق فسخ قرار داده باشند یا شرع فسخ آن را روا بداند. این اصل از یک سو حکم کلی است و در بیع، اجاره، مزارعه و... اعمال می‌شود و از سوی دیگر شرعی است، زیرا خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا بِالْمُقَدَّ»^۳. برخی در تعریف قاعده فقهی چنین نوشته‌اند:

قاعده فقهی حکم فقهی کلی عامی است که به باب معینی از فقه اختصاص ندارد؛ بلکه یا شامل همه ابواب فقه می‌شود، مثل قاعده حجیت ینه، یا شامل اکثر ابواب فقه، مثل اصل لزوم در معاملات، یا شامل مسائل بسیاری از یک باب فقه، مثل قاعده «البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر» در باب قضا.^۴

این تعریف اختلاف قواعد فقهی را از نظر دامنه کاربردشان نشان می‌دهد.

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۶.

۲. البته روایت یادشده را این گونه نیز با اندک تفاوتی در اعراب، می‌توان خواند: «لَوِدِدْتُ أَنْ أَصْحَابِي ضَرَبَتْ رُؤُوسَهُمْ بِالسَّيَاطِ حَتَّى يَتَفَقَّهُوا» که در این صورت، تفاوت معنایی کوچکی می‌یابید: «دوست دارم بر سر اصحابم تازیانه زده شود تا تفقه پیدا کنند».

۳. مائده، ۱.

۴. مکارم شیرازی، القواعد الفقهية، ج ۲، ص ۱۲.